

# خلاقیت با تلفیق



فریبا رحمانی  
آموزگار، دهلران

بین درس‌های پایه‌ی سوم، مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمان به مهارت‌های زندگی و ارزش‌های اخلاقی می‌پردازند و درس هنر نیز زیبایی‌شناسی را بهتر نهادینه می‌کند. من با روش‌هایی از جمله «استقرایی، حل مسئله، فراگیری مفهوم، همیاری، بحث گروهی، کاوشگری، تفکر انتقادی، بارش مغزی و نمایش خلاق» کوشیدم تدریس را با فرهنگ جامعه همسو کنم و ارزش‌های اخلاقی و اسلامی را به خوبی آموزش دهم.

## گزارش تجربه

پاییز آغاز شده بود و من در کسوت معلم وارد مدرسه‌ی شهید بهشتی شده بودم؛ کلاسی ۲۹ نفره با جنسیت پسر و دختر و بسیار شلوغ. روز اول سعی کردم با آنان آشنا شوم. متأسفانه یکی از سرگرمی‌های آن‌ها دیدن سریال‌های ماهواره‌ای بود. آرزوی یکی از دخترها باز یگر شدن و پسرها هم بت‌من، مردعنکبوتی، بنتن و زورو شدن. در میان الگوها هیچ نشانی از یک ایرانی نبود!

شروع کردم به برنامه‌ریزی برای دادن الگویی مناسب به آن‌ها. در مرحله‌ی نخست اعلان (پوستر) شهدا و امام راحل را روی دیوار نصب کردم و دانش‌آموزان را به نام مقدس شهدا در گروه‌های چهار نفری گروه‌بندی کردم: «سردار جنگل؛ امام‌خمینی (ره)؛ شهید دکتر چمران؛ شهید خلیان فکوری؛ شهید آوینی؛ شهید فهمیده؛ شهید صیاد شیرازی؛ شهید همت؛ شهید بقایی. در میانه‌ی سال هم گل سرسبد شهدا، سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی را به‌عنوان اسطوره‌ی ایثار و شهادت در بالای گروه قرار دادم و دانش‌آموزان با نوشتن شعر، انشا، نقاشی و کاردستی درباره‌ی سردار، قهرمانی خود را از او، برای دفاع بدون چشمداشت او از میهن عزیزمان ایران انجام دادم. حالا آن‌ها با الگویی جدید و ملموس از ایثار و ساده‌زیستی آشنا شده بودند که به امروز تعلق داشت. با نصب پوستر این سردار گران‌قدر در بالای شش‌های دیگر، در حالی که مادرش را در بغل گرفته بود، به آنان درس احترام و قهرمانی از والدین، به‌خصوص مادر را که یکی از درس‌های اجتماعی بود، به‌صورت غیرمستقیم آموزش دادم.

گروه دکتر چمران، وقتی به درجه‌ی علمی ایشان پی بردند، قول دادند بهتر درس بخوانند تا مانند ایشان شوند. و چنان مفتخر شده بودند که وقتی از اداره برای بازدید می‌آمدند،

دبستان دخترانه-پسرانه‌ی «شهید بهشتی» مدرسه‌ای دولتی است در روستای «شهرک وحدت» شهرستان دهلران در استان ایلام. آقای حمزه کیادی مدیر آن است. مدرسه ۱۴۰ دانش‌آموز دارد و ۶ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۲۴ نفر است. خانم فریبا رحمانی آموزگار پایه‌ی سوم است.

اعلام می‌کردند، ما گروه دکتر چمرانیم. گروه شهید فهمیده ایشان را الگوی خود قرار دادند و می‌خواستند ادامه‌دهنده‌ی راه ایشان باشند. برای الگوسازی بیشتر، از شهدای کربلا استفاده کردم. با تلفیق درس‌های هنر و هدیه‌های آسمان از محرم و حضرت زینب (س) گفتم. برای آموزش نقاشی از سنگ استفاده کردم. به آن‌ها گفتم سنگ کاربردهای زیادی دارد. با آن می‌شود خانه درست کرد، یا مثل بچه‌های فلسطین با دشمن غاصب جنگید. می‌شود گندم را آسیاب کرد و نان پخت. یا روی آن نقاشی کشید و از زحمات پدر و مادر و بزرگ‌ترها قدردانی کرد. نتیجه‌ی این فعالیت، کارگاهی از سنگ‌های زیبا شد که بازدیدکنندگان را شگفت‌زده می‌کرد. استفاده از سنگ، هم مفهوم ایستادگی در برابر دشمن را به‌صورت غیرمستقیم آموزش می‌داد و هم جلوه‌های زیبایی از هنر و زیبایی‌شناسی را در کلاس نمایان کرد.

پس از چندین ماه، دانش‌آموزان من هر کدام یک قهرمان واقعی داشتند و به جای بت‌من و بنتن و زورو، حاج قاسم و شهید همت و بقایی و صیاد شیرازی و فهمیده را الگو قرار داده بودند. امیدوار هستم، وقتی بزرگ شدند هم همین الگوها را خواهند داشت، چرا که اینان را در کودکی الگو گرفته‌اند.

## گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

بر اساس سند برنامه‌ی درسی ملی، راهبردهای یاددهی یادگیری باید بتواند بستری لازم را برای تحقق اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه تدارک ببیند. برای تحقق این مهم، یکی از اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی یادگیری عبارت‌است از: «فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار، جهت تحقق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه‌ی شایستگی‌ها فراهم کند.»



گوشه‌ای از فعالیت‌های  
فریبا رحمانی



آموزشی

فروردین ماه  
دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۷ | ۱۴۰۱

۱۷